

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۲۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

منهای فوتبال

برنامه بسکتبال در انتخابی جام جهانی

تیم ملی بسکتبال ایران در پنجره دوم مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۷ روزهای ۸ و ۱۱ اسفندبه ترتیب مقابل ارن و سوریه به رقابت خواهد پرداخت. ملی پوشان کشورمان پس از برگزاری یک دوره اردوی آماده‌سازی در تهران، از روز شنبه ۲۰ بهمن ماه به ۱۵ بازیکن زیر نظر سوتیر یوس ملولوپولوس جهت برگزاری دودیدار تدارکاتی راهی قطر شدند. تیم ملی ایران در دیدار نخست با نتیجه ۷۱ بر ۵۸ و در دیدار دوم با نتیجه ۲۹ بر ۷۰ به پیروزی رسید و پس از آن جهت حضور در پنجره دوم مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۷ راهی لبنان شد.



تیم ملی ایران در دیدار رفت پنجره نخست رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۷ مقابل عراق با نتیجه ۹۴ بر ۶۸ و در دیدار برگشت با نتیجه ۸۶ بر ۷۱ موفق به کسب پیروزی شد. طبق اعلام رسمی فیفا، با تصمیم کمیته اجرایی فیفا، مسابقات خانگی ایران تا اطلاع ثانوی به دلیل بررسی وضعیت ایمنی و امنیت در ایران و اسرائیل به میزبانی کشور ثالث برگزار خواهد شد و در صورت فراهم شدن شرایط مناسب، امکان بازگرداندن میزبانی ها به سرزمین‌های مربوطه وجود دارد. بر همین اساس، دو دیدار تیم ملی ایران در پنجره دوم انتخابی جام جهانی ۲۰۲۷ به میزبانی سالن Al Complex Sports Complex در Nounhad شهر بیروت در لبنان برگزار خواهد شد.

ارسلان کاظمی، آرمان زنگنه، محمدسینا واحدی، سالار منجی، مبین شیخی، متین آقاجان پور، پیتر گیرگوریان، سیدمهدی جعفری، محمدمهدی حیدری، حسن علی اکبری، امیرحسین آذری، سعیدمحمد غفاری، علیرضا شریفی، محمدصبر مؤمنی و محمدمهدی رحیمی ملی پوشان کشورمان در این رقابت‌ها هستند.

فردین، غایب تورنمنت آلبانی



دومین مرحله نکینگ اتحادیه جهانی کشتی در سال ۲۰۲۶ در رشته کشتی فرنگی از ۸ تا ۱۰ اسفندماه در شهر تیرانا، پایتخت آلبانی برگزار می‌شود. اما تیم اعزامی ایران یک غایب مهم دارد؛ فردین هداپتی، سنسگین‌وزن کشتی ایران به دلیل مصدومیت از حضور در این رقابت‌ها بازماند. در ترکیب اعزامی ایران، علی حاجوندی در ۶۳ کیلوگرم، محمد جواد ضایبی و حجت ضایبی در ۷۲ کیلوگرم، امیر عبدی و علیرضا عبدولی در ۷۷ کیلوگرم، محمدامین حسینی در ۸۲ کیلوگرم، جمال اسماعیلی در ۸۷ کیلوگرم و امیرضامردیان در ۹۷ کیلوگرم با هداپتی حسن رنگرزوری شش خواهند رفت. هر چند تیم ملی از برنامه اعزامش به آلبانی خارج شده‌است. این تیم قرار بود صبح دیروز با پرواز ترکیش از طریق استانبول راهی آلبانی شود اما این پرواز بدون اینکه توضیحی داده شود لغو شد و تیم ایران با پرواز فردگشت به تهران فرود فرنگی کاران کیش پنج‌شنبه با پرواز دیگری راهی آلبانی شوند و این رقابت‌ها از جمعه آغاز می‌شود. حال باید دید این تأخیر تا چه اندازه روی عملکرد آنها تأثیر گذار است.

استقلال وارد لیگ کاراته هم شد

مسعود رهنما رییس فدراسیون کاراته با حضور در ساختمان باشگاه استقلال، با علی تاجرنیا، سرپرست مدیرعامل این باشگاه دیدار و در خصوص گسترش تعاملات وجانبه گفت‌وگو کرد. در این نشست طرفین درباره راهکارهای توسعه تعاملات مشترک، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزشی دو مجموعه و همچنین تقویت همکاری‌ها در راستای ارتقای ورزش قهرمانی تبادل نظر کردند.

رییس فدراسیون کاراته در این جلسه با قدردانی از نگاه مثبت باشگاه استقلال به رشته‌های مختلف ورزشی و سابقه این باشگاه در تیم‌داری در سطوح حرفه‌ای، بر اهمیت هم‌افزایی میان فدراسیون‌ها و باشگاه‌های استقلال تأکید کرد. علی تاجرنیا با استقبال از طرح‌های پیشنهادی، آمادگی کامل باشگاه استقلال را برای حمایت از برنامه‌های توسعه‌ای فدراسیون کاراته اعلام کرد. استقلال پیش از این در رشته‌های مختلفی تیم‌داری کرده‌است و ورود به این رشته جدیدترین تصمیم این باشگاه است. تصمیم جدیدی که البته می‌تواند برای ورزش کشور مفید باشد. گسترش تیم‌داری باشگاه‌های فوتبال یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که طی سال‌های گذشته به آن پرداخته شده‌است. ورودی اصلی، درست و رو به پیشرفت که بتواند در‌های جدیدی را به روی رشته‌هایی به جز فوتبال باز کند. باشگاه استقلال در سالی که رو به پایان است این کار را انجام داد و هر لیگی که دست به تیم‌داری زد، نگاهش قهرمانی بود و این شایسته تقدیر است. باید دید آبی‌ها در کاراته هم می‌توانند مثل سایر رشته‌ها موفق ظاهر شوند یا نه.



وقتی اشتباه، حکم مرگ رویاها را دارد

شطرنج مدعیان

آرژانتاری

لیگ برتر فوتبال ایران، در بیست و پنجمین دوره‌ی خود به روزهایی رسیده‌است که دیگر هیچ توجهی برای لغزش و جود ندارد. هفته بیست‌وسوم، از عصر پنج‌شنبه در تبریز آغاز می‌شود و تا غروب جمعه در تهران ادامه می‌یابد؛ ۴۸ ساعتی که می‌تواند سرنوشت صدر جدول، آینده‌نیمکت‌های لرزان و حتی معادلات قهرمانی را برای همیشه تغییر دهد. از تبریزی که زیر سایه تردیده‌استقبال محمدربیعی می‌روی، تا تهرانی که می‌خواهد شاهد طلوع دوباره سهراب بختیاری‌زاده بر تخت پادشاهی آبی‌ها باشد. این هفته، هفته‌اعاده حیثیت برای تحقیر شددگان، هفته تثبیت برای مدعیان خاموش و هفته بقا برای کسانی است که به تازگی ردای بزرگی بر تن کرده‌اند. در حالی که تقویم به اسفندماه ۱۴۰۴ رسیده، همچان فوتبال در ایران زودتر از بهار، شکوفه زده‌است. همین داستان بهانه‌ای شد تا به بررسی وضعیت سه ضلعی قدرت یعنی تراکتور، سپاهان و استقلال در نبردهای سرنوشت‌ساز پیش‌رو بپردازیم.

همه چیز از عصر پنج‌شنبه در ورزشگاه یادگار امام تبریز آغاز می‌شود. جایی که محمد ربیعی، مردی که هنوز جوهر قراراداش خشک نشده، باید ثابت کند که ردای سرسرمیرگری تی‌تی‌ها برای قامت او گشاد نیست. ربیعی هفته گذشته در

دراماتیک‌ترین پرده هفته بیست‌وسوم، در ورزشگاه شهدای شهر قدس رقم خواهد خورد. جایی که سهراب بختیاری‌زاده رسماً به عنوان نفر اول نیمکت استقلال، کار گذشته با هداپت موقت و با غفوری و بردار زشمند در رفسنجان به صدر جدول رسید، حالا باید با چهره‌ای جدید مقابل یکی از جغزترین تیم‌های لیگ صف آرایی کند

چهره به چهره

بختیاری‌زاده چهار ستاره را از استقلال اخراج کرد

گردو خاک سهراب

نگار رشیدی

هنوز عرق پیروزی نابالغونی مقابل مس رفسنجان خشک نشده و سهراب بختیاری‌زاده به درستی روی صندلی داغ نغر اول تکیه زده که صدای انفجار از تمرینات استقلال به گوش می‌رسد. سهراب، مدافع باهوش و خونسرد سلال‌های دور، نشان داد که در قامت سرمربی، آن آرامش ظاهری را پشت درختن جاگذاشته و با یک چاقوی تیز به تمرینات آمده‌است. خروجی دومین جلسه تمرینی او، نه لیخند و عکس‌های یادگاری، که حکم اخراج موقت چهار ستاره بود؛ پیمای مستقیم، بی‌واسطه و بی‌رحمانه به کل تیم؛ اینجا



اتفاق روز

اینتر خیلی زود با یک شگفتی بزرگ از لیگ قهرمانان کنارت رفت

تراژدی در ایتالیا

نازنین دشتی

شامگاه‌سه‌شنبه، آسمان میلان هم پایه‌پای هواداران حاضر در سن‌سیرو می‌گریست. سوت پایان بازی که به صدا درآمد، سکوتی مرگبار سکوهای جوزه‌مه‌اتزرا افرا گرفت؛ سکوتی که تنها با فریادهای شادی چند صد هوادار زردپوش در گوشه‌ای از طبقه سوم استاندارد شکسته می‌شد. اینتر میلان، یکی از اشراف‌زادگان فوتبال اروپا و صدرنشین بلامنازع سری‌آ، در خانه خود زانو زده بود. نه مقابل رئال مادرید، نه بایرن مونیخ؛ بلکه برابر تیمی از شهری در نروژ که جمعیت آن به‌حمت به اندازه‌گنجایش ورزشگاه سن‌سیرو می‌رسد؛ بودو (Bodo/Glimt). حذف اینتر با نتیجه مجموع پنج بر دو در مرحله پلی آف لیگ قهرمانان اروپا، تنها یک شگفتی نبود؛ این یک زلزله تاکتیکی بود که پایه‌های فوتبال مدرن و سرمایه‌داری را لرزاند.

برای درک عمق فاجعه‌ای که این هفته در سن‌سیرو تکمیل شد، باید به یک هفته قبل برگردیم. ورزشگاه اسپمیرا در شهر بودو، جایی بالاتر از مدار قطب شمال. بادهای استخوان‌سوز و چمن مصنوعی، میزبان ستاره‌های میلیون دلاری اینتر بودند. کریستین چیوو، سرمربی اینتر، شاید در دل خود فکر می‌کرد که تیمش با یک بازی کنترل شده می‌تواند از این جهنم یخ‌زده جان سالم به در ببرد. بودو گلیمت با همان دقیقه‌اول نشان داد که قرار نیست به نام‌ها احترام بگذارد. بر سینگ و حشمتک تراژدی‌ها و انتقال توپ‌های برق‌آسا باعث شد تا خط دفاعی سه‌نفره اینتر بارها و بارها جام‌باند. شکست سه بر یک در بازی رفت، زنگ خطری بود که در میلان به اندازه کافی جدی گرفته‌نشد. ایتالیایی‌ها این باخت را به گردن آب و هوا و چمن مصنوعی انداختند، غافل از اینکه طوفان اصلی در راه‌ایتالیا بود.

سه‌شنبه شب، میلان آماده یک کامبک (بازگشت) تاریخی بود. رسانه‌های ایتالیایی از

اولین آزمون خود در بندرانزلی، اگر چه از شکست گریخت، اما تساوی یک-یک مقابل ملوان برای هواداران پرشور تبریزی که به‌سرند در دوران اسکوچیچ عادت کرده بودند، شبیه به یک شکست بود. محمد ربیعی در حالی به تبریز آمده که بسیاری از کارشناسان و هواداران هنوز با دیده تردید به او می‌نگرند. او مربی خوبی در تیم‌های میان‌رده مثل مس رفسنجان و ذوب‌آهن بوده، اما هداپت تراکتور، داستانی متفاوت است. در تبریز، فقط نتیجه کافی نیست؛ هوادار شخصیت تیمی و فوتبال‌تهاجمی می‌خواهد. ربیعی می‌داند که اگر پنج‌شنبه نتواند گل گهر را از پیش‌رو بردارد، سکوهای یادگار امام خلیسی زود علیه او شورش خواهند کرد. او

برای خروج از زیر سایه دراگان اسکوچیچ و این حرف‌وحديث‌ها که «او حد تراکتور نیست»، راهی جز پیروزی ندارد. این بازی برای او، حکم فینال مشروعبیت را دارد. در سوی دیگر میدان، تیمی قسار دارد که هفته گذشته عجیب‌ترین نتیجه فصل را رقم زد. مهدی تار تار که تیمش را به صدر جدول رسانده بود، در دیداری باورنکردنی مقابل چادرملو پنج بر یک تحقیر شد تا ثابت شود صدرنشینی برای آنها آمد نداشته‌است. اما انگیزه گل گهر در تبریز، فراتر از جبران آن باخت سنگین است. آنها در بازی دور رفت، در خانه خود پنج بر صفر مغلوب تراکتور اسکوچیچ شده بودند و حالا برای اعاده حیثیت و شستن لکه ننگ آن شکست تاریخی به تبریز می‌آیند.

جمعه عصر، نگاه‌ها به تهران و ورزشگاه شهدای شهر قدس می‌چرخد، جایی که سپاهان محرم نوید کیا به مصاف پیکان می‌رود. سپاهان که هفته گذشته با پیروزی سه بر یک مقابل استقلال خوزستان، نشان داد که قصد ندارد از کورس قهرمانی عقب بماند، حالا با ۳۸ امتیاز و به دلیل تفاضل گل در رده سوم، سایه به سایه استقلال حرکت می‌کند. محرم نوید کیا بعد از شروع ناامید کننده در آغاز نیم فصل دوم، گویی روح تازه‌ای در کالبد زردپوشان دمیده‌است. آنها در دو بازی اخیر خود از خیبر و استقلال خوزستان ۶ امتیاز کامل گرفته‌اند و حالا در ایده‌آل‌ترین شرایط روانی به مصاف پیکان می‌روند. سپاهان محرم، فوتیال را با حوصله، روی زمین و بسادقت بالا بازی می‌کند.



که اگر استقلال مقابل فجر بلغز، در پیروزی بر پیکان آنها را به تنهایی به صدر جدول برتاب خواهد کرد. برای محرم نوید کیا، بازی با پیکان یک ایستگاه استراتژیک است تا ثابت کند سپاهان امسال، تیمی است که برای جام ساخته شده، نه فقط برای ارائه فوتبال زیبا.

هفته بیست‌وسوم، هفته تماشای شخصیت است. تراکتور باید نشان دهد که بزرگ‌تر از مربی‌اش است، سپاهان باید ثابت کند که تشنه صدر است و استقلال باید از پادشاهی‌اش در اولین روز دوران سهراب محافظت کند. لغزش هر یک از این سه تیم، می‌تواند تقدیم‌نامه جام به رقیب باشد. آیا ربیعی در تبریز جشن

نامه‌بازی نمی‌کنند، نظم بازی می‌کند. عجیب‌ترین بخش بمب خبری دیروز، درگیری دو مهره‌ای بود که قرار بود ستون‌های آرامش تیم باشند. ابوالفضل جلالی و عارف غلامی؛ دو بازیکنی که تجربه‌شان باید در روزهای گذار به کمک سهراب می‌آمد، در کمال ناباوری گریبان‌یکدیگر را گرفتند. دعوابر سرحاحترام به بزرگ‌تر و کسوت، آن هم وسط تمرینات تاکتیکی تیمی که صدرنشین است، بیشتر شبیه به سکناس‌های فیلم‌های فارسی قدیمی بود رفتار حرفه‌ای در لیگ بیست‌ونجم.

سهراب بختیاری‌زاده اما بدون ذره‌ای تردید، هر دو را از زمین بیرون انداخت. او این کار ثابت کرد که کاپیتان برای او فقط یک تک پارچه روی بازو نیست، بلکه یک مسئولیت سنگین است. سهراب به خوبی می‌داند که اگر در همین ابتدای کار، جلوی منبت‌های بزرگ خرتکن نایستد، سرنوشتی بهتر از پیشینایش نخواهد داشت. او نظم را قربانی نام نکرده، حتی اگر به قیمت بازی کردن با تیم دوم مقابل فجر سیاسی باشد.

اما ماجرا به همین جا ختم نشد. آرمن سهرابیان، مدافعی که امسال بیش از آنکه درون زمین باشد، در تیتیر حواشی بوده، بار دیگر قربانی لجاجت‌های خودش شد. از ماجراهای سوپر جام گرفته تا آن مصاحبه جنجالی در فرودگاه پس از بازی با الوصل، سهرابیان نشان داده که تمرکزش روی هر چیزی هست جز فوتبال. وقتی او برنامه‌های تاکتیکی سهراب را ارائه‌ده گرفت و با قهر تمرین را ترک کرد، احتمالاً فکر نمی‌کرد بختیاری‌زاده با قاطعیت به او بگوید؛ هر دو دیگر بر نگر.

در سوی دیگر، موسی جنبو قرار داد؛ ورتیرن گران قیمت استقلال که قرار بود بمب نقل و انتقالات باشد، اما حالا بیشتر

شبیه به یک نانچک عمل نکرده در دستان مدیرت است. تاخیر در بازگشت از سفر و بی‌انضباطی مکرر، کاسه صبر سهراب را لبریز کرد. جنبو که قرار بود گره‌گشای خط حمله باشد، حالا خودش به یک گره‌گور تبدیل شده‌است. سهراب با سپردن او به کمیته انضباطی، به همه‌باز یکتان، به‌ویژه خارجی‌های تیم، فهماند که دلاری بیشتر به معنای حق بیشتر برای بی‌انضباطی نیست.

بسیاری معتقدند که این حجت‌ها، سخت‌گیری، آن هم دقیقاً پیش از قابل بافجر سیاسی پیروز قربانی، یک قمار خطرناک است. فجر تیمی است که غول کشتی را بلد است و پیروز قربانی هم به عنوان یک استقلال قدیمی انگیزه‌های فراوانی برای متوقف کردن سهراب دارد. اگر سهراب تا قبل از بازی با یکتان خاطی را نبخشد، دستش کوتاه‌تر از همیشه‌است؛ او چهار مهره را در اختیار ندارد. اما اگر از زاویه‌ای دیگر نگاه کنیم، سهراب بختیاری‌زاده در حال جراحی تیمور بدخیم استقلال است. او می‌داند که استقلال فعلی، بیش از آنکه به تاکتیک نیاز داشته باشد، به یک ویژگی شخصیتی نیاز دارد. تیمی که با یک‌کنانش در تمرین به هم می‌پرند و ستاره‌هایش به دلخواه خود تمرین را ترک می‌کنند، حتی اگر فجر راهم ببرد، در ایستگاه‌های بعدی قهرمانی کم‌خرم خواهد کرد. مسجرباد این بازرگ و خاک، در واقع در حال پیریزی برای یک فرهنگ جدید است؛ فرهنگی که در آن هیچ کس بزرگ‌تر از باشگاه نیست.

سهراب بختیاری‌زاده با این شروع طوفانی، تکلیفش را با خودش و هواداران روشن کرد. او نایمده‌است که فقط یک مربی گذری باشد که با ستاره‌ها همدار می‌زند اما او چند صباحی بیشتر روی نیمکت بماند. او با خشم مقدس خود، به دنبال بازگرداندن هیبت نیمکت استقلال است.

پایان بازی با نتیجه دو بر یک (۵-۲ در مجموع) به معنای پایان رویای اروپایی اینتر در این فصل بود.

اما این غول کش نروژی از کجا آمده‌است؟ چگونه تیمی با بودجه‌ای کمتر از دستمزد سالانه لائوتارو مار تینزی، می‌تواند منچستر سیتی، آلتینکومادرید، رم و حالا اینتر را به زانو درآورد؟ برای پاسخ به این سوال باید به سراغ معیار این تیم رفت؛ کنترول کنوتسن. زمانی که کنوتسن در سال ۲۰۱۷ هدایت این تیم را بر عهده گرفت، بودو گلیمت یک تیم معمولی در دسته دوم نروژ بود. اما او یک فلسفه ساده و یک ایده پیچیده را تزریق کرد؛ بدون ترس بازی کن، مهم نیست حریف چه کسی است. بازیکنان بودو به گونه‌ای در زمین می‌دوند که گویی خستگی برای‌شان معنایی ندارد. آنها در دقایق پایانی بازی، همان قدر پرا انرژی هستند که در سوت آغاز. سیستم ۴-۳-۳ کنوتسن به قدری روان اجرا می‌شود که بازیکنان با چشمان بسته یکدیگر را پیدا می‌کنند. آنها ستاره‌های بزرگ نمی‌خردند، بلکه یک سیستم کارآمد، بازیکنان معمولی را به ستاره تبدیل می‌کنند. در خرتکن بودو گلیمت، یک روانشناس ورزشی به نام بیورن مانسارک حضور دارد که ذهنیت بازیکنان را برای تقابل با بزرگ‌ترین تیم‌های جهان آماده می‌کند. پیروزی معروف ۶ بر یک مقابل رم خوزه مورینیو در سال‌های گذشته، سنگ بنای این خودباوری بود.

این حذف تحقیرآمیز پارادوکس عجیبی برای اینتر ایجاد کرده‌است. از یک سو، تیم کریستین چیوو در سری آ با ۱۰ امتیاز اختلاف در صدر جدول قرار دارد و به سوی اسکودتو می‌تازد. از سوی دیگر، این افشاح اروپایی سایه سنگینی بر موفقیت‌های داخلی انداخته‌است. مدیریت اینتر حالا در دوراهی سختی قرار دارد. آیا قهرمانی در ایتالیا می‌تواند هر همی بر زخم عمیق حذف از اروپا به دست یک تیم نروژی باشد؟ تاریخ نشان داده‌است که در سن‌سیرو، هواداران حافظه درازمدتی برای شکست‌های تحقیرآمیز دارند. چیوو باید در هفته‌های آینده تیمی را از لحاظ روانی بازسازی کند که غرورش در سرمای نروژ و باران میلان لگدمال شده‌است.

داستان بودو گلیمت و اینتر، یادآوری زیبایی از ذات واقعی فوتبال است. جایی که پول، تاریخچه و ستاره‌ها همیشه حرف اول را نمی‌زنند؛ بلکه نظم، شجاعت، دوندگی بی‌امان و یک نقشه‌بی‌نقص می‌تواند هر غیرممکنی را ممکن سازد. بودو گلیمت دیگر یک شگفتی نیست؛ آنها یک واقعیت خطرناک در قلب اروپا هستند.

